فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۴، صفحات ۹-۳۷

بررسی تجرّد و هویّت با استفاده از نظریّه‌ی زمینه‌ای (مورد مطالعه: دختران مجرّد بالای ۳۵ سال شهرستان لاهیجان)

خدیجه سفیری[۱]، سارا شهانواز[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۰٤/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۰۹/۱۰

چکیده

با تغییرات اجتماعی- اقتصادیِ روی‌داده در دنیای مدرن، بسیاری از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نظیر ازدواج دچار تغییر شده‌اند. ایجاد فرصت‌هایی برای ورود زنان به اجتماع و امکان تحصیل و اشتغال، موجب افزایش سنّ ازدواج شده است. زنان مایلند نقش‌های جدیدی ایفا کنند و هویّت خود را بازتعریف نمایند. در این پژوهش، کوشیده شده تا تجربه‌ی زیسته‌ی دختران بالای ۳۵ سال با استفاده از روش زمینه‌ای بررسی شود. دختران مورد نظر، تأکید فراوانی بر هویّت مستقلّ اجتماعی و فردی خود داشتند. آن‌ها با توجّه به امکان تحصیل و اشتغال، توانسته‌اند به تعریف جدیدی از هویّت خود - جدا از هویّت زن وابسته به خانواده و همسر- دست یابند. امّا جامعه و خانواده اهمّیّت زیادی برای ازدواج قائل هستند و به دختران فشار می‌آورند تا به تجرّد خود پایان دهند. البتّه دختران نیز نقش‌های سنّتی را به‌طور کامل کنار نگذاشته‌اند و خود نیز به پایان دادن به دوران تجرّد، تمایل دارند. در این میان، برخی عوامل ساختاری و زمینه‌ای نیز بر تجرّد و بالارفتن سنّ ازدواج، اثرگذار است. در مجموع، دختران در تعریف و ساخت هویّت خود، دچار تعارض بین هویّت مدرن و سنّتی هستند و می‌کوشند تعادلی میان این دو هویّتِ خود ایجاد کنند.

واژه‌های کلیدی: تجرّد، دختران مجرّد، هویّت، روش زمینه‌ای.

[۱] استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا m_safiri@yahoo.com

[۲] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا (نویسنده‌ی مسؤول) s.shahanavaz@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدّمه

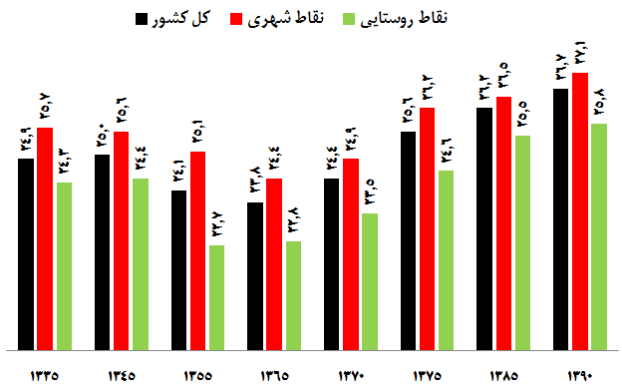
در فرهنگ ما ازدواج و تشکیل خانواده، بسیار بااهمّیّت و مقدّس است. ازدواج فرایندی اجتماعی، زیستی و فرهنگی است که نقشی اساسی در برآوردن نیازهای اصلی انسان دارد (ناستی‌زائی، ۱۳۸۵: ۹۱). ازدواج عملی ارادی و تابع خواسته‌ها و تمایلات فردی است، امّا تحت‌تأثیر متغیّرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیّتی و حتّی سیاسی قرار دارد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۳). در جهان امروز به سبب توسعه و نوسازی و با گذار از سنّت به مدرنیته و در پی آن، تغییرات گسترده در نهادها و هنجارهای مختلف اجتماعی- اقتصادی، شاهد تغییر در نهاد خانواده و هنجارهای مربوط به ازدواج هستیم. در راستای این تحوّلات، میزان و سنّ ازدواج جوانان به‌ویژه دختران دستخوش تغییرات فراوانی شده است. در واقع، تغییر قوانین و هنجارهای اجتماعی و اقتصادی و اهمّیّت روزافزون فردگرایی موجب کاهش میزان ازدواج در جهان شده است. تجرّد یا افزایش سنّ ازدواج منحصر به جامعه و کشور ما نیست، بلکه این مسأله در کشورهای توسعه‌یافته نیز وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که پدیده‌ی مجرّدهای شهری، نخستین بار در آمریکا مطرح شد. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، سنّ ازدواج در دهه‌ی ۱۹٦۰ در آمریکا به‌شدّت افزایش یافت (لوگران و زیسیموپولوس، ۲۰۰٤: ۲). در اروپا نیز افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند، معمولاً دو دوره از زندگی را تنها هستند که دوره‌ی اوّل، در مرحله‌ی آغاز بزرگ‌سالی است (بهنام، ۱۳۸٤: ۹۹). روند افزایش سنّ ازدواج از آمریکا و اروپا به دیگر نقاط جهان از جمله آسیا و ایران نیز رسیده است.

در دوران ماقبل مدرن، تقریباً تنها نقش معتبر اجتماعی و هویّت‌بخش برای دختر، در قالب نقش زن متأهّل و مادر بودن تعریف می‌شد. دختران برای دست‌یابی به پایگاه اجتماعی باید ازدواج می‌کردند. زنان از طریق ازدواج از سویی در یک واحد تولیدی- خانوادگی قرار می‌گرفتند و بخشی از فعّالیّت تولیدی را انجام می‌دادند و از سوی دیگر، با فرزندآوری پایگاه خانوادگی خود را تقویت می‌کردند. در گذشته ازدواج تنها راه ممکن برای زنان بود، هرچند در این راه، پذیرش اقتدار مرد نیز ضرورت داشت (جزنی، ۱۳۸۰: ٤٦). با تغییر نقش زنان در جامعه، هویّت زنان نیز دچار تغییراتی متناسب با موقعیّت جدید شد. از نظر هویّتی، افراد در جوامع مدرن از هویّت‌های سنّتی خود جدا شده و هویّت‌های جدیدی یافته‌اند که منشأ پیدایش آن‌ها، جدید و مربوط به دنیای مدرن است (نایبی و محمّدی، ۱۳۹۲: ٤). بنابراین نگرش‌های هویّتی که پیش از این، دارای بنیان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

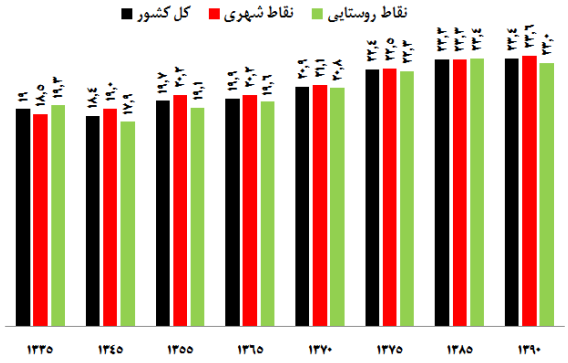
دینی و سنّتی بودند، به چالش کشیده شدند. در این میان، تعارضاتی بین هویّت و نقش‌های سنّتی و از پیش‌موجود زنان یعنی مادری و همسری، و هویّت جدید اجتماعی پدید می‌آید.

امروزه پدیده‌ی تجرّد دختران در اکثر نقاط جهان قابل مشاهده است. در ایران نیز با ورود مدرنیزاسیون و تغییرات ناشی از آن مانند آموزش و تحصیلات زنان که موجب اشتغال آن‌ها می‌گردد، افزایش سنّ ازدواج و تجرّد زنان مشاهده می‌شود. بر اساس آمارها، در چند دهه‌ی گذشته، سنّ ازدواج در میان جوانان به‌ویژه دختران، به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. همان گونه که در نمودار شماره‌ی یک مشاهده می‌شود، میانگین سنّ ازدواج مردان در کلّ کشور از ۲٤/۹ در سال ۱۳۳۵، به ۲٦/۷ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. میانگین سنّ ازدواج مردان در نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۳۵ به ترتیب ۲۵/۷ و ۲٤/۳ بوده که در سال ۱۳۹۰ به ترتیب به ۲۷/۱ و ۲۵/۸ رسیده است. بر اساس نمودار شماره‌ی دو که نشان‌دهنده‌ی میانگین سنّ ازدواج دختران در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ است، میانگین سنّ ازدواج دختران از ۱۹ در سال ۱۳۳۵ به ۲۳/٤ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بر اساس آمار، افزایش میانگین سنّ ازدواج هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی اتّفاق افتاده و تفاوت میانگین سنّ ازدواج دختران در نقاط شهری و روستایی در سال‌های مختلف، بسیار پایین است.



نمودار شماره‌ی یک- میانگین سن در اوّلین ازدواج مردان در کشور

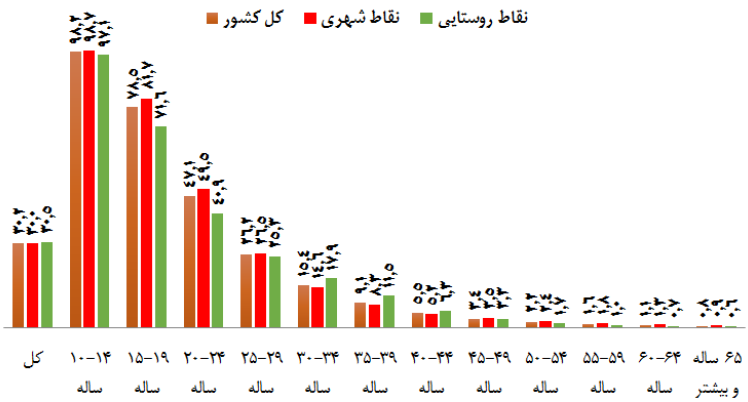
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



نمودار شماره‌ی دو- میانگین سن در اوّلین ازدواج زنان در کشور

(منبع: مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران)

همان گونه که در نمودار شماره‌ی سه مشاهده می‌شود، ٤٧/١ درصد از دختران در گروه سنّی ۲۰ تا ۲٤ سال و نیز ۲٦/۲ درصد از دختران در گروه سنّی ۲۵ تا ۲۹ سال ازدواج نکرده‌اند. با وجود آن که میانگین سنّ ازدواج دختران در سال ۱۳۹۰ تنها ۲۳/٤ است، نمودار زیر به‌روشنی نشان می‌دهد که تعداد زیادی از دختران ۲۰ تا ۳۰ سال ازدواج نکرده‌اند و مجرّد هستند. این موضوع معضلی برای جامعه‌ی جوان ایران قلمداد می‌شود. بر اساس این آمارها، جایگاه ازدواج که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی برای جامعه‌ی ما بسیار اهمّیّت دارد، دچار تغییراتی شده و نیازمند توجّه و رسیدگی است.



نمودار شماره‌ی سه- تعداد زنان هرگز ازدواج‌نکرده در گروه‌های مختلف سنّی بر اساس سرشماری ۱۳۹۰

(منبع: مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ادبیّات موضوع

گیدنز جستجوی هویّت شخصی را مسأله‌ای جدید می‌داند که شاید از فردگرایی غربی نشأت گرفته باشد. در دوره‌های ماقبل مدرن تأکید بر فردیّت وجود نداشته و به نظر گیدنز در جوامع مدرن، هویّت شخصی اهمّیّت یافته است. در واقع با ظهور جوامع جدید و تقسیم کار و تمایزیابی، فرد و هویّت فردی در مرکز توجّه قرار گرفته است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۱). گیدنز اذعان دارد که در زندگی مدرن به دلیل زمینه‌های عمل و مراجع متکثّر، انتخاب سبک زندگی بیش از پیش در ساخت هویّت شخصی اهمّیّت می‌یابد. هویّت هر شخص را نه در رفتار وی و واکنش‌های دیگران نسبت به او، بلکه در ظرفیّت او برای حفظ و ادامه‌ی روایت مشخّصی از زندگی‌نامه‌اش باید جستجو کرد (همان: ۸۲-۸٤). از نظر گیدنز انتخاب سبک زندگی با هویّت شخصی ارتباط دارد؛ زیرا در دنیای مدرن فرد با تنوّع انتخاب‌های ممکن مواجه می‌شود که باید از میان آن‌ها دست به گزینش بزند. سبک زندگی، روایت خاصّی را که فرد برای هویّت شخصی برگزیده است، در برابر دیگران به نمایش درمی‌آورد و مستلزم تصمیمات روزانه درباره‌ی شیوه‌ی پوشش، خوراک، کار و فراغت است. این مسأله در فرهنگ‌های سنّتی با انتخاب‌های محدود، کاربردی ندارد (همان: ۱۲۱). گیدنز معتقد است، زنان در جامعه‌ی ماقبل مدرن از مشارکت کامل در عرصه‌ی فعّالیّت اجتماعی محروم بوده‌اند و فضای باز دوران مدرنیته را بهتر - امّا به صورت تناقض‌آمیز- تجربه می‌کنند. زنان در جوامع جدید، از یک‌سو فرصت آزمودن شانس خود را در طیف وسیعی از امکانات دارند و از سوی دیگر فرهنگ مردگرا، بسیاری از این راه‌ها را به روی زنان بسته است (همان: ۱٥٤).

بر اساس نظریّه‌ی تافچل، هویّت اجتماعی به‌عنوان آگاهی فرد از تعلّق به یک گروه اجتماعی معیّن، و ارزش و اهمّیّت این عضویّت برای فرد مفهوم‌ساز شده است. در نتیجه افراد برحسب تعلّق به گروه‌های متفاوت، به هویّتی اجتماعی که معرّف وضعیّت خاصّ آن‌ها در جامعه است، دست می‌یابند. امّا تعلّق به یک گروه فقط در صورتی به هویّت مثبت می‌انجامد که مشخّصات آن گروه در مقایسه با دیگر گروه‌ها، برتر ارزیابی شود (رفعت‌جاه، ۱۳۸۷: ۲۸). بنابراین تعلّق به گروه یا عضویّت در دسته‌ی اجتماعی، نوعی تعریف از خود برای فرد به‌وجود می‌آورد. در این راستا می‌توان گفت زنان با دست‌یابی به اشتغال و کسب تحصیلات، در پی تعریف هویّت خود هستند.

عضویّت در نهادها و سازمان‌های مختلف، موجب تنوّع و تعارض نقش‌های اجتماعی می‌شود تا جایی که ممکن است برای هر فرد خاص، چندین هویّت وجود داشته باشد. این مسأله باعث بروز تعارض می‌گردد. هویّت در صورت درونی شدن، منبع و سازمان‌دهنده‌ی معنا برای کنش‌گران

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

است، هرچند ممکن است از نهادهای مسلّط نیز ناشی شود. گاهی تعاریف خود با نقش‌های اجتماعی مطابقت دارد، امّا هویّت در مقایسه با نقش، منبع معنایی نیرومندتری است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳).

گافمن بر تأثیر نقش‌های اجتماعی در تشکیل هویّت تأکید دارد. از نظر او موقعیّت‌های اجتماعی همان چارچوب‌های اجتماعی هستند که مقرّرات، معناهای خاص، تعامل ویژه و سازمان‌یابی خاص هویّت را امکان‌پذیر می‌کنند. گافمن معتقد است افراد آگاهانه هدف خود را دنبال می‌کنند و درصدد هستند چیزی یا کسی باشند یا به‌نظر برسند تا هویّت اجتماعی خاصّی به‌دست آورند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۱٦). او هویّت اجتماعی را هویّتی ساخته‌شده و از پیش‌موجود نمی‌داند، بلکه به باور او هویّت در جریان کنش‌های اجتماعی به‌وجود می‌آید. در واقع، جامعه از خلال اجرای نقش‌های افراد، هویّت آن‌ها را شکل می‌دهد. افراد برای ایفای بهتر نقش خود تلاش می‌کنند تا هویّت مورد نظر خود را تثبیت نمایند و دیگران آن هویّت را بپذیرند. در این میان، اگر مخاطبان، فرد را در نقش مورد نظر به رسمیّت نشناسند، ممکن است هویّتی که فرد می‌کوشد خود را با آن معرّفی کند، زیر سؤال برود. به این سبب افراد برای ایفای بهتر نقش خود در هویّت مورد نظر، بیش‌تر تلاش می‌کنند تا از آن دفاع نمایند (همان: ۱۳۲).

جنکینز برای فهم هویّت فردی و اجتماعی، از الگوی هویّت‌شناسی واحدی استفاده می‌کند؛ یعنی، الگوی هویّت‌یابی دارای دو وجه درونی و بیرونی. هویّت اجتماعی در معنای عام، تعریف از خود در رابطه با دیگران است. هویّت شخصی نیز جنبه‌هایی از تعریف از خود فرد است که با خصیصه‌های شخصیّتی، فیزیکی و سبک‌های شخصی ارتباط دارد. از نظر جنکینز همه‌ی هویّت‌های انسانی، اجتماعی هستند؛ زیرا هویّت به معنا مربوط می‌شود و معنا نتیجه‌ی توافق جمع است. سازگاری و برقراری ارتباط معنادار با دیگران منوط به هویّت‌های فردی و اجتماعی است (همان: ٦). دیدگاه او برای فهم هویّت اجتماعی، دیالکتیک هویّت‌های شخصی و اجتماعی و دیالکتیک فرد و جامعه است (همان: ۳۰). جنکینز بر الگوی واحدی از خویشتن تأکید دارد که ترکیبی دیالکتیک از تعریف‌های درونی و بیرونی است. در تعریف هویّت، آن چه از سوی جامعه برای افراد در نظر گرفته می‌شود، یا همان وجه بیرونی تعریف لزوماً با آن چه فرد، خود را با آن تعریف می‌کند، همسانی ندارد (همان: ۵۹). از نظر جنکینز آشکارترین وجه هویّت فردی، جنسیّت است که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود و قطعاً هویّتی جمعی است؛ زیرا می‌توان آن را رده‌بندی کرد (همان: ۱۰۳). منزلت یک فرد، مجموع همه‌ی منزلت‌هایی است که آن فرد دارد و به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

این ترتیب هویّت فردی، همانند تصویری چهل‌تکّه از هویّت‌های جمعی است. منزلت غالب، منزلتی است که سایر هویّت‌های فرد را تابع خود کند (همان: ۲۶۰). در جوامع سنّتی، منزلت زنان بر اساس هویّت زن خانه‌دار و همسر و مادر تعریف می‌شد، امّا در جوامع مدرن به‌ویژه در شهرها، با توجّه به تحوّلات اقتصادی و اجتماعی، زنان فرصت ورود به اجتماع و تغییر منزلت و هویّت خود را یافته و به سبب مشارکت در اجتماع، هویّت‌های متعدّدی پیدا کرده‌اند. زنان فرصت یافته‌اند که تعریف هویّت و منزلت خود را از منابع متعدّدی دریافت کنند. در این میان، تعاریف سنّتی و مدرن از هویّت و منزلت زنان نیز دچار تعارض و چالش‌هایی خواهد شد.

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی تجرّد پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی انجام شده است. علیرضانژاد و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی دختران تحصیل‌کرده‌ی شاغل بالاتر از ۳۵ سال در شهر تهران پرداخته و تأثیرات عوامل ساختاری از جمله تحصیلات عالی، اشتغال و ازدواج (افزایش سنّ ازدواج دختران) را بر هویّت اجتماعی زنان مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از نگرش چندگانه‌ی این افراد به هویّت است. دختران به حفظ هویّت جنسیّتی در کنار هویّت حرفه‌ای تمایل دارند و چالش هویّت حرفه‌ای و سنّتی بین دختران شاغل، حل‌نشده باقی مانده است.

در پژوهشی دیگر، قانع عزآبادی و همکاران (۱۳۹۲) تجارب زیسته‌ی دختران ۳۰ سال به بالا را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر حضور پررنگِ داغ ننگِ برآمده از تجرّد در تجربه‌ی زیسته‌ی افراد بررسی‌شده، است. فرضی‌زاده (۱۳۹۳) نیز به مطالعه‌ی دختران مجرّد روستایی پرداخته است. مقوله‌ی مورد تأکید این پژوهش، طرد اجتماعی دختران مجرّد ۳۰ سال به بالاست. برای دختران پژوهش، ازدواج مهم‌ترین مؤلّفه‌ی توانمندی اجتماعی زنان محسوب می‌شود و به تبع آن، طرد دختران یادشده، پدید آمده است. آن‌ها علاوه بر تجرّد و طرد اجتماعی و مسائل ناشی از آن، دچار سایر اَشکال محرومیّت نیز هستند که این امر بیانگر چندبعدی بودن پدیده‌ی طرد اجتماعی است. حبیب‌پور و غفاری (۱۳۹۰) نیز علل افزایش سنّ ازدواج دختران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بر اساس پژوهش آن‌ها که با استفاده از روش پیمایش انجام شده، تحصیلات بالاتر، نگرش فرامادی به ازدواج و از دست دادن فرصت‌های زندگی، دلایل اصلی تأخیر در ازدواج هستند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

برگ کراس[1] و همکارانش (۲۰۰٤) در پژوهشی که به مطالعه‌ی دختران مجرّد شاغل در کشورهای مختلف پرداخته‌اند، این موضوع را پدیده‌ای جهانی دانسته‌اند. بر پایه‌ی این پژوهش، پدیده‌ی دختران شاغل مجرّد، مهم‌ترین مسأله‌ی جامعه‌شناختی در قرن ۲۱ است. لاهاد (۲۰۱۳) نیز در مقاله‌ی خود به گزینش تجرّد توسّط زنان، به‌عنوان معضلی اجتماعی پرداخته است. بررسی و تجزیه و تحلیل برچسب گزینش‌شونده که جامعه بر زنان مجرّد دارد و نیز تأثیر گزینش‌شوندگی بر امکان‌ها و محدودیّت‌هایی که در خودشکوفایی زنان ایجاد می‌کند، هدف اصلی این پژوهش بوده است. متن نشان می‌دهد که در انتقال از هنجار به تجرّد، زنان مجرّد حقّ خود را برای حفظ موضع انتخاب‌کننده‌ی خویش از دست داده‌اند.

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر از نظریّه‌ی زمینه‌ای که از جمله روش‌های کیفی محسوب می‌شود، بهره برده‌ایم. این نظریّه در سال ۱۹٦۷ توسّط گلاسر[2] و استراوس[3] ابداع شده است (محمّدپور، ۱۳۹۲: ۳۱۳). نظریّه‌ی زمینه‌ای با به‌کارگیری یک سلسله رویّه‌های سیستماتیک، نظریّه‌ای را بر مبنای استقرا درباره‌ی پدیده‌ای خاص به‌وجود می‌آورد و یافته‌های آن شامل تنظیم نظری از واقعیّت تحت بررسی است. در این روش نه تنها مفاهیم و رابطه‌ی میان آن‌ها ایجاد می‌شوند، بلکه به‌طور موقّتی مورد آزمایش قرار می‌گیرند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۳-۲٤). در روش زمینه‌ای مفاهیم تنها آزموده نمی‌شوند، بلکه در ارتباط با داده‌ها و در فرایندی مشتمل بر آزمون و خطا، طرح می‌گردند. به این ترتیب ساخت نظریّه‌ی زمینه‌ای، فرایندی دورانی و مارپیچی است نه فرایندی خطّی (محمّدپور، ۱۳۹۲: ۳۱٤). گزارش زمینه‌ای به‌دست آمده، دارای ماهیّت اندیشه‌نگارانه، بسترمند و موقعیّتی است و به جای تعمیم آماری کمّی، از تعمیم تحلیلی برخوردار است. روش زمینه‌ای دارای سه بعد شرایط، تعامل‌ها و پیامدهاست که حول یک مقوله‌ی هسته‌ای ترسیم می‌شود (همان: ۳۱٦).

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری پژوهش، دختران مجرّد ۳۵ سال به بالا در شهرستان لاهیجان است. برای دست‌یابی به نمونه‌های مناسب، از روش گلوله‌برفی استفاده شده است. در روش زمینه‌ای، داده‌ها

[1] Berg-cross
[2] Glaser
[3] Strauss

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بسیار مهم هستند؛ چنان که گلیزر در این‌باره می‌گوید: «همه چیز داده، است». ارائه‌ی نظریّه در این روش منوط به گردآوری داده‌های متنی مصاحبه‌ای عمیق است. به این ترتیب مصاحبه‌ی عمیق، مهم‌ترین فنّ گردآوری داده‌های زمینه‌ای محسوب می‌شود (همان: ۳۲۳). چون هدف پژوهش، رسیدن به شناخت صحیح موضوع و داده‌های واقعی و درست بوده، از مصاحبه‌های عمیق (نیمه‌ساخت‌یافته) برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. از آن جا که در این روش، اشباع نظری اهمّیّت اساسی دارد، مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع، ادامه یافت. در این راستا ۱۱ مصاحبه به شکل نیمه‌ساخت‌یافته صورت گرفت. پس از آن، مصاحبه‌ها به صورت متن درآمده و فرایند تحلیل داده با کدگذاری باز شروع شد. در این مرحله، تمامی متن مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر تحلیل و کدگذاری گردید و مفاهیم استخراج شدند. در مرحله‌ی بعد، کدگذاری محوری با گردهم‌آمدن مفاهیم به صورت یک شبکه‌ی مرتبط به هم و با مرکزیّت یک مفهوم ادامه یافت. هم‌چنین مرحله‌ی کدگذاری گزینشی برای یکپارچه‌سازی داده‌ها و استخراج مقوله‌ی اصلی و نظریّه انجام شد. بر اساس منطق روش زمینه‌ای، داده‌ها در بخش‌های علّت، درک، استراتژی و پیامدهای تجرّد و حول یک مفهوم مرکزی دسته‌بندی و مفهوم‌سازی شدند.

جدول شماره‌ی یک- ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

کد	سن	تحصیلات	وضعیّت اشتغال	محلّ سکونت
۱	۳۵	لیسانس	شاغل	شهر
۲	٤۱	دانشجوی فوق لیسانس	بیکار	شهر
۳	۳۵	لیسانس	بیکار	شهر
٤	٤۳	دیپلم	شاغل	روستا
٥	۳۹	لیسانس	شاغل	شهر
٦	٤٤	زیر دیپلم	بیکار	روستا
۷	٤٥	زیر دیپلم	بیکار	روستا
۸	۳۷	فوق دیپلم	شاغل	شهر
۹	٤۱	لیسانس	شاغل	شهر
۱۰	۳٦	فوق دیپلم	شاغل	شهر
۱۱	۳۸	لیسانس	شاغل	شهر

یافته‌ها

با کدگذاری داده‌ها، مقولات و مفاهیم اصلی استخراج شدند و مقولات مختلف در بعدهای درک، علّت، استراتژی و پیامد تجرّد تنظیم گردیدند. در بعد علّت تجرّدِ دختران عوامل مختلف

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مطرح شد. در جدول زیر مقولات مربوط به درک ناشی از تجرّد آمده است.

جدول شماره‌ی دو- مقولات ناشی از درک تجرّد

مقولات اصلی	زیرمقولات
اهمّیّت ازدواج	اهمّیّت ازدواج از نظر دین اهمّیّت ازدواج از نظر فرهنگ ازدواج منبع آرامش ازدواج منبع امنیّت ازدواج برای کسب تکیه‌گاه عاطفی ازدواج منبع تأمین مسائل جنسی ازدواج مانع انحراف اخلاقی
هراس از تجرّد	ترس از بی‌پناهی ترس از تنهایی ترس از سربار بودن نگرانی از برچسب خوردن
احساس فشار به دلیل تجرّد	فشار خانواده نگاه منفی دیگران به فرد مجرّد قضاوت دیگران نسبت به دختر مجرّد
تغییر ارزش‌های اجتماعی	بالا رفتن سنّ ازدواج بی‌رغبتی جوانان به ازدواج
نگاه عقلانی به ازدواج	

اهمّیّت ازدواج

دختران تفکّر و دید مثبتی نسبت به ازدواج دارند و آن را موضوعی مهم و تأمین‌کننده‌ی بسیاری از نیازهای خود معرّفی می‌کنند. به گفته‌ی دختران مجرّد، ازدواج از نظر جامعه امری بسیار مهم است و با خود مشروعیّت اجتماعی به همراه دارد. به‌علاوه، از نظر دین نیز امری مقدّس و توصیه‌شده، است.

«ازدواج در دید من مثبت است. پیامبر می‌گویند: "النکاح سنّتی". من هم احساس می‌کنم دینم کامل نیست» (کد شماره‌ی ٤ و ٦).

ازدواج و خروج از تجرّد برای دختران مجرّد، به‌مثابه دست‌یابی به منبع آرامش و امنیّت است. آن‌ها ازدواج را راهی برای دست‌یافتن به تکیه‌گاه عاطفی می‌دانند.

«من می‌گویم ازدواج خوب است، امّا با کسی که بتوانی به او تکیه کنی... . محبّت در خانواده‌ی ما زیاد است. من دنبال همان محبّت در ازدواج می‌گردم» (کد شماره‌ی ۵).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هم‌چنین دختران مجرّد ازدواج را مانعی بر سر راه انحرافات اخلاقی و فساد می‌دانند و معتقدند که ازدواج بهترین راه برای تأمین نیازهای جنسی است.

هراس از تجرّد

درک دختران از تجرّد، با ترس از بی‌پناهی، تنهایی و سربار بودن همراه است. آن‌ها احساس می‌کنند که با مرگ پدر و مادر ممکن است حمایتی را که امروزه از آن برخوردارند، از دست بدهند. در این صورت باید به زندگی دیگر اعضای خانواده تحمیل شوند. هم‌چنین دختران مجرّد، از برچسب خوردن هراس دارند و نگرانند که به خاطر ازدواج نکردن، از طرف دیگران و جامعه به آن‌ها برچسب زده شود.

«قبلاً فکر می‌کردم پدر و مادرم هستند. الآن (بعد از مرگ مادر) فکر می‌کنم اگر پدرم را هم از دست بدهم، پیش چه کسی باید باشم؟ سربار زندگی خواهر و برادرم شوم؟ به همین خاطر دوست دارم ازدواج کنم» (کد شماره‌ی ٦).

احساس فشار به دلیل تجرّد

مجرّد بودن دختران، با قضاوت درباره‌ی آن‌ها همراه است. دختران مجرّد به سبب تجرّدشان، از طرف جامعه مورد قضاوت و نقد قرار می‌گیرند و دید منفی نسبت به تجرّد آن‌ها وجود دارد.

«وقتی بیرون می‌روم مردم درِ گوشی می‌گویند این دختر است، ازدواج نکرده. دیگر بچّه‌دار نمی‌شود» (کد شماره‌ی ۷).

«این که من تحصیلات داشته باشم، موقعیّت اجتماعی داشته باشم، آدم ارزنده‌ای برای دوستانم باشم... امّا چون یک مرد در کنار من نیست، از دید عوام جامعه به‌عنوان یک نقصان دیده شود، برای من ناراحت‌کننده است» (کد شماره‌ی ۱۱).

در برخی موارد، خانواده‌ها از دخترانِ خود انتظار دارند که موقعیّت‌های ازدواجشان را جدّی بگیرند و به تجرّد خود پایان دهند.

«من از طرف خانواده خیلی تحت فشار هستم... همیشه خانواده می‌گویند شرایط سنّی‌ات را در نظر بگیر، شاید دو سال دیگر شرایط جسمی و روحی‌ات این طور نباشد» (کد شماره‌ی ۸).

تغییر ارزش‌های اجتماعی

دختران مجرّد معتقدند که امروزه به دلیل تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه، سنّ مناسب و ایده‌آل ازدواج تغییر کرده و ازدواج در سنین بالاتر، مورد پذیرش جامعه است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

«امروزه واقعاً پذیرفته شده که سنّ ازدواج بالا باشد. لازم نیست واقعاً همه در سنّ کم بخواهند ازدواج کنند... . مردم زیاد به شکل بد نگاه نمی‌کنند و با آن کنار آمده‌اند» (کد شماره‌ی ۱).

هم‌چنین امروزه به سبب وجود روابط آزادتر بین دختر و پسر و عدم ایجاد تعهّد در این رابطه‌ها، جوانان به‌ویژه مردان، کم‌تر به ازدواج تمایل دارند. در مقابل، دختران نیز به سبب تحصیلات و اشتغال، استقلال بیش‌تری نسبت به گذشته دارند و حفظ تجرّد برای آن‌ها به معنای حفظ استقلالشان است.

«الآن چون زنان استقلال بیش‌تری دارند، چون شغل دارند و نیاز به مرد را پیش خود احساس نمی‌کنند، کم‌تر ازدواج می‌کنند» (کد شماره‌ی ۱).

نگاه عقلانی به ازدواج

دختران در ازدواج، علاوه بر نقش مهمّ احساسات، به تفکّر منطقی و عقلانی بسیار اهمّیّت می‌دهند و معتقدند که ازدواج باید بر اساس تفکّر صورت گیرد تا با موفّقیّت همراه باشد.

«من آدم منطقی هستم. روابط عاطفی برای من خیلی مهم است، امّا اگر تفکّرات شبیه هم نباشد، تحمّل همدیگر سخت می‌شود. اگر من چیزی بگویم طرف مقابل درک نکند، فاصله بین آدم‌ها می‌افتد... . اگر انتخاب درست قبل از ازدواج باشد، شاید بعداً مشکلات پیش نیاید» (کد شماره‌ی ۵).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی سه- مقولات مربوط به علّت‌های تجرّد

مقولات	زیرمقولات	مقولات	زیرمقولات
هراس از ازدواج	ترس از مسائل زناشویی ترس از انتخاب اشتباه ترس از فریب خوردن ترس از پذیرش مسؤولیّت ترس از شکست ترس از مسؤولیّت فرزند ترس از زندگی دشوار تجربه‌ی ناموفّق اطرافیان	علل فردی	مشکل جسمی حس مسؤولیّت نسبت به خانواده توقّع رسیدگی به والدین از سوی اعضای خانواده مراقبت از والدین سردرگمی در انتخاب عدم اعتماد به نفس گذشته‌ی سخت خانواده تجربه‌ی زیسته‌ی منفی نسبت به مردان وجود خواستگار در زمان نامناسب دشواری تصمیم‌گیری با افزایش سن بی‌اعتمادی به مردان
علل اقتصادی	وضعیّت مالی نامناسب مردان ترس از سوءاستفاده‌ی مالی اشتغال دختران بار مالی ازدواج	علل روانی-احساسی	اهمّیّت تطابق فکری تجربه‌ی عشق ایده‌آل‌گرایی علاقه به تنهایی داشتن روحیّه‌ی حسّاس
علل اجتماعی	تحصیلات دختران اشتغال دختران بی‌تعهّدی مردان جنگ و شهادت مردان گزینش‌شونده نه گزینش‌کننده ترتیب سنّی در ازدواج	علل فرهنگی	تغییر سنّ مناسب ازدواج عدم پذیرش مردان مطلّقه تحصیلات پایین‌تر خواستگاران سنّ پایین‌تر خواستگاران نسبت به دختران عدم ارتباط با جنس مخالف هم‌کفو بودن فرهنگی
قربانی بودن	تقدیر و قضا و قدر باورهای خرافی		

هراس از ازدواج

ترس از ازدواج و مسؤولیّت‌های آن و دشواری‌های زندگی و نیز انتخاب اشتباه - که می‌تواند منجر به شکست شود- مانع بسیار بزرگی در تصمیم‌گیری برای ازدواج است. تجارب ناموفّق اطرافیان و نگرانی از فریب خوردن از مردان نیز عاملی بازدارنده در انتخاب است.

«به این فکر می‌کنم که آن قدر آدم‌های رنگارنگ در جامعه هستند که فکر می‌کنم ارزش ندارد که از جانم مایه بگذارم و روح و روانم را بگذارم تا آن طرف را برای خودم نگه دارم» (کد شماره‌ی ۱ و ۹).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هم‌چنین پذیرش مسؤولیّت فرزندان و تربیت آن‌ها، موجبات هراس دختران را فراهم می‌آورد. دختران معتقدند که با تغییرات اجتماعیِ صورت‌گرفته، تربیت فرزند بسیار دشوار است.

«من خودم فکرم این است که هرگز بچّه‌دار نشوم. نه این که از بچّه بدم بیاید. من واقعاً می‌ترسم... معلوم نیست برای بچّه‌های ما چه مسائلی به‌وجود بیاید» (کد شماره‌ی ۱۰).

علل اجتماعی

در این مقوله مفاهیمی چون تحصیلات و اشتغال دختران، گزینش‌گری مردان، جنگ و کم‌تر بودنِ مردان نسبت به زنان، ترتیب سنّی ازدواج و رعایت اولویّت سنّی در ازدواج مطرح گردیده است. در دنیای امروز با افزایش تحصیلات دختران، نگرش آن‌ها دچار تغییرات اساسی شده است. هم‌چنین اشتغال زنان به تحصیل و کار و ورود به دنیای فعّال اجتماعی موجب شده که در تفکّرات زنان، نگاه به ازدواج دستخوش تغییرات فراوانی شود. ویلیام گود معتقد است گسترش فرصت‌های شغلی، تغییرات در نیروی کار و فعّالیّت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی به دلیل کنترل اجتماعی ضعیف‌تر موجب تأخیر ازدواج می‌شود. هم‌چنین نقش‌های شغلی مدرن، خواستار آزادی بیش‌تری هستند؛ از این رو، به ازدواج در سنّ بالاتر تمایل دارند (گود، ۱۹٦۳). دختران فعّال در اجتماع به سبب کسب هویّت حرفه‌ای، ازدواج را تا حدّ ممکن به تأخیر می‌اندازند، امّا در این میان اذعان دارند که با همه‌ی تغییرات صورت‌گرفته در جامعه، هنوز هم مردان در ازدواج انتخاب‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند.

«الآن دیگر مثل قدیم نیست که دختر داخل خانه باشد و بگوید یکی بیاید دنبالم. به نظرم مسخره است. شغل از این جهت مهم است که تو می‌توانی پای اعتقادات خودت باشی. یک خانم مستقل بهتر می‌تواند تصمیم بگیرد» (کد شماره‌ی ۵).

در این میان، دختران، مردان امروزی را بی‌تعهّدتر از مردان نسل قبل می‌بینند و به همین دلیل به آن‌ها اعتماد ندارند.

«تو احساس می‌کنی هرکس که به سمت تو می‌آید باید اوّل بپرسی آقا تو متأهّلی یا مجرّد؟ اصلاً هم کسی این چیزها را بیان نمی‌کند که راحت باشد» (کد شماره‌ی ۵ و ۱۱).

رعایت ترتیب سنّی و حقّ اولویّت در ازدواج نیز می‌تواند به تجرّد منجر شود؛ خانواده‌ای که چند دختر دارد و رعایت اولویّت سنّی در آن خانواده واجب است، دختران کوچک‌تر با مشکل مواجه می‌شوند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

«چون من دختر کوچکم و همیشه از من بزرگ‌تر بود و تا نوبت من شود، سنّم بالا رفته بود و کم کم این ذهنیّت منفی در من زیاد شد» (کد شماره‌ی ۹).

علل اقتصادی

در دنیای امروز با توجّه به مسائل فراوان اقتصادی و میزان زیاد بیکاری به‌ویژه در میان مردان، موقعیّت مالی و اقتصادی نامناسبی برای مردان به‌عنوان منبع اقتصادی خانوارها به‌وجود آمده و این امر، تأثیر زیادی بر ازدواج داشته است. در مقابل، از آن جا که دختران به‌واسطه‌ی تحصیلات دانشگاهی و ورود به بازار کار، استقلال مالی به‌دست آورده‌اند، به ازدواج به‌عنوان منبع و تکیه‌گاه مالی نمی‌نگرند و حتّی از این مسأله نیز در هراس هستند که مردان صرفاً به خاطر موقعیّت مالیِ باثباتِ آن‌ها، به سراغشان بروند.

«من فکر می‌کنم که چه لزومی دارد ازدواج کنم؟ برایم فقط دردسر است. جنبه‌ی مالی قضیّه که برایم تأمین است... . مردانی را می‌بینم که فقط جنبه‌ی مالی زنشان برایشان مهم است و فقط به این دلیل ازدواج می‌کنند... . فقط در صورتی که مرد حمایت مالی را داشت، درباره‌ی ازدواج فکر می‌کنم نه این که مثل برخی از مردها که منتظرند خانمشان آن‌ها را تأمین مالی کنند» (کد شماره‌ی ۹).

وجود تجمّلات و هزینه‌های بسیار هنگفت ازدواج را نیز می‌توان عاملی بازدارنده معرّفی کرد؛ زیرا امروزه به سبب تغییر هنجارهای اجتماعی، بار مالی ازدواج – چه برای دختر و چه برای پسر– بسیار هنگفت و سنگین شده است.

«امروزه تجمّلات در زندگی زیاد شده، چشم و هم‌چشمی زیاد شده و باعث اشکال در ازدواج شده، قبلاً خیلی راحت‌تر بود ولی الآن مشکل ایجاد می‌کند» (کد شماره‌ی ۱).

علل فرهنگی

بر اساس نظریّه‌ی همسان‌همسری، افراد در انتخاب و گزینش همسر، به ازدواج با افراد مشابه تمایل دارند. همسان‌همسری در زمینه‌های گوناگونی قابل بازیابی است. دختران که به سبب تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دارای تحصیلات دانشگاهی شده‌اند، تحصیلات پایین‌تر مردان را نمی‌پذیرند. هم‌چنین آن‌ها به دلیل به تعویق انداختن ازدواج و بالا رفتن سن، نمی‌توانند خواستگارانی با سنّ پایین‌تر را قبول کنند.

«من لیسانس دارم و نمی‌توانم بپذیرم که با کسی که دیپلم دارد، ازدواج کنم. از حرف دیگران می‌ترسم. خیلی برایم این مهم است» (کد شماره‌ی ۳).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

«موارد مختلفی برای ازدواج دارم امّا اکثر آن‌ها پنج یا شش سال از من کوچک‌تر هستند. آن‌ها خودشان این را مسأله نمی‌دانند امّا برای من قضیّه خیلی پررنگ است» (کد شماره‌ی ۸).

مسأله‌ی هم‌کفوی به‌ویژه در زمینه‌ی خانواده و فرهنگ آن نیز مسأله‌ی بسیار مهم و مؤثّری برای دختران در انتخاب همسر است؛ به‌گونه‌ای که دختران ترجیح می‌دهند همسر خود را از فرهنگی که خود در آن بالیده‌اند و شناخت بیش‌تری نسبت به آن دارند، انتخاب کنند.

«مثلاً فردی از قومیّت دیگری بود، فرهنگش بر او چیره بود. نمی‌خواست این جا زندگی کند... . تمام دغدغه‌اش این بود که به شهر خودش برگردد...» (کد شماره‌ی ۱۱).

علل فردی

در ذیل این مقوله، مفاهیم گوناگونی شناسایی شده است. برخی از دختران به دلیل مراقبت از والدین خود و احساس مسؤولیّت نسبت به آن‌ها و نیز توقّعات خانواده از آن‌ها برای نگه‌داری والدین، فرصت و موقعیّت کم‌تری برای ازدواج دارند.

«کسانی که به خواستگاری من می‌آیند که مراقب مادرم هستم، از کسانی که پدر و مادر مستقل دارند، کم‌تر است و این احتمالاً یک دلیل است» (کد شماره‌ی ۹).

هم‌چنین تجربه‌ی زندگی سخت والدین و خانواده و نیز تجربیّات منفی از مردان، موجب ایجاد مانع در تصمیم‌گیری برای ازدواج می‌شود. برخی از دختران گفته‌اند که اعتماد به‌نفس خود را از دست داده‌اند و اکنون دچار سردرگمی در انتخاب هستند. البتّه در این میان، افزایش سن نیز عامل بسیار مهمّی ذکر شده است؛ زیرا با افزایش سن، تصمیم‌گیری و انتخاب دشوار می‌شود. در واقع، دختران با افزایش سن، انتظار بهترین موقعیّت‌ها و بهترین انتخاب و تصمیم‌گیری را دارند.

«با توجّه به تجربه‌ای که دارم و زمانی که طی شده، انتظار این است که تصمیم درست بگیرم. در این سن دیگر نمی‌توان تصمیم بدون فکر گرفت» (کد شماره‌ی ۸ و ۹).

یکی دیگر از عوامل، وجود خواستگاران در زمان نامناسب است؛ بر این اساس، برخی دختران به سبب بلوغ زودرس و برخورداری از ظاهری بزرگ‌تر از سنّ خود، در سنین پایین دارای خواستگاران زیادی هستند، امّا بعد از دوره‌ای، تعداد خواستگاران آن‌ها به‌شدّت کاهش می‌یابد.

«شاید یکی از مسائلی که باعث شد ازدواج نکنم این بود که من بلوغ زودرس داشتم. در فاصله‌ی ۱۵ تا ۱۸ سالگی خواستگارانم از من ۱۵ تا ۲۰ سال بزرگ‌تر بودند و به لحاظ موقعیّتی خوب بودند... بعد هم دوره‌ای شد که هم‌سنّ و سال بودند، امّا موقعیّتشان خوب نبود» (کد شماره‌ی ۱۱).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مشکلات و نقایص جسمی نیز به‌عنوان عاملی اثرگذار در تجرّد و عدم ازدواج معرّفی شده است.

«من تا ۷ سالگی حرف نمی‌زدم. گوشم هم مشکل داشت، (لکنت زبان دارد) پدر مادرم پول نداشتند درمانم کنند» (کد شماره‌ی ۷).

عدم اعتماد به نفس و سردرگمی در انتخاب نیز مقوله‌های دیگری بوده که در تجرّد دختران تأثیر داشته‌اند.

علل روانی– احساسی

به اذعان دختران، یکی دیگر از علل تجرّد آن‌ها، این است که نتوانسته‌اند فردی هم‌فکر و از لحاظ شخصیّتی متناسب با خود را بیابند. تجربه‌ی عاشقانه، یکی دیگر از این علل است؛ برخی از دختران به دلیل علاقه به فردی خاص و انتظار برای رسیدن به او، از ازدواج امتناع می‌کنند. برخی نیز به سبب تجربه‌ی شکست در عشق، نمی‌توانند دوباره به ازدواج بیندیشند. عدم علاقه به هیچ فردی، از دیگر دلایل ذکرشده برای تجرّد است؛ چنان که برخی از دختران می‌گویند وقتی علاقه‌ای به کسی ندارند، نمی‌توانند ازدواج کنند.

«در ۱۸ سالگی من، قضیّه‌ی علاقه اتّفاق افتاد و طرف نارو زد و رفت» (کد شماره‌ی ۲ و۳).

ایده‌آل‌گرایی نیز دلیلی برای باقی‌ماندن در تجرّد است؛ بدین معنا که دختران به سبب داشتنِ آرزوهای بزرگ و رؤیاپردازی درباره‌ی ازدواج و همسر، ازدواج نمی‌کنند و منتظر موقعیّت ایده‌آل خود هستند.

«من همیشه در ذهنم دنبال یک فرد ایده‌آل بودم. کم‌تر از پزشک را قبول نداشتم» (کد شماره‌ی ۱۰).

داشتن روحیّه‌ی حسّاس و علاقه به تنهایی نیز از دیگر دلایل تجرّد، عنوان شده است.

«من آدم فوق‌العاده حسّاسی هستم و اگر وارد رابطه‌ای شوم، آخر ضربه می‌بینم. همیشه جلوی خودم را می‌گیرم که وارد رابطه‌ی احساسی نشوم» (کد شماره‌ی ۹).

قربانی بودن

برخی از دختران مجرّد در تشریح علّت تجرّدِ خود در این سن، سرنوشت و قضا و قدر را دخیل می‌دانند و معتقدند حتماً تقدیر این گونه بوده که ازدواج نکنند. در این میان، بعضی باورهای خرافی مانند این عبارت که «من را طلسم کرده‌اند» نیز بیان می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

«اگر تا امروز شوهر نکردم ناراحت نیستم. حتماً مصلحت الهی است و قضا و قدری هست که من تنها زندگی کنم» (کد شماره‌ی ۲ و ٤).

استراتژی‌های مربوط به تجرّد

در این بخش، دو نوع کلّی از استراتژی‌های برخورد با تجرّد یعنی استراتژی‌های فعّال و غیرفعّال را می‌توان در میان دختران مشاهده کرد.

جدول شماره‌ی چهار- مقولات مربوط به استراتژی‌های مرتبط با تجرّد

مقولات اصلی	زیرمقولات
استراتژی‌های فعّال	
ایجاد بدیل‌هایی برای ازدواج	غرق شدن در کار نگه‌داری از والدین تنها کارهای هنری مانند قالی‌بافی ایجاد تجارب لذّت‌بخش
هویّت‌یابی اجتماعی	تلاش برای ادامه‌ی تحصیل تلاش برای استقلال مالی محوریّت بین اطرافیان روابط اجتماعی بالا و در میان مردم بودن
حفظ اعتماد به نفس	تقویت افکار مثبت تقویت اعتقادات مذهبی غلبه بر افکار منفی توجّه به ظاهر و شیک‌پوشی
تلاش برای تغییر وضعیّت	تلاش برای ساختن آینده تلاش برای یافتن مورد متناسب
اهمّیّت دادن به هنجارهای اجتماعی	حفظ خطّ قرمزهای اجتماعی تأکید بر زندگی سالم تأکید بر رعایت فاصله‌ی اجتماعی در ارتباط با مردان خویشتن‌داری در مسائل جنسی
استراتژی‌های غیرفعّال	
پذیرش مسأله‌ی تجرّد	پذیرش تقدیر و سرنوشت قبول وضعیّت حال قانع بودن داشتن حسّ خوب از تجرّد تجرّد خودخواسته
برچسب زدن	برچسب زدن به مردان برچسب زدن به جامعه برچسب زدن به دختران سنین پایین‌تر
اتّکا به خانواده	خانواده منبع آرامش
اهمّیّت ندادن به حرف دیگران	
انتظار	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

استراتژی فعال

در استراتژی‌های فعّالِ مرتبط با تجرّد، مقولاتی چون ایجاد بدیل‌هایی برای ازدواج، هویّت‌یابی اجتماعی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود، تلاش برای تغییر وضعیّت و اهمّیّت دادن به هنجارهای اجتماعی، استخراج شده است. دختران مجرّد اغلب جایگزین‌هایی برای ازدواج برمی‌گزینند تا بتوانند با مسأله‌ی تجرّد کنار بیایند؛ جایگزین‌هایی نظیر غرق شدن در کار، پرداختن به کارهای هنری‌ای مانند قالی‌بافی، نقّاشی و عروسک‌سازی، ایجاد تجارب لذّت‌بخش مانند ورزش، خرید کردن، سفر، رجوع به طبیعت و نیز نگه‌داری از والدینِ تنها.

«من با حجم بالای کاری که دارم نمی‌توانم گاهی حتّی به خودم فکر کنم چه برسد به دیگری» (کد شماره‌ی ۵).

«سعی می‌کنم ورزش کنم که از شرایط فکری و مشکل رها شوم. احساس فشار را با ورزش کم می‌کنم» (کد شماره‌ی ۸ و ۹).

دختران مجرّد در پی آن هستند که هویّت خود را فارغ از ازدواج شکل دهند. کوشش برای ادامه‌ی تحصیل و دست‌یابی به استقلال مالی از طریق دست‌یابی به شغل و نیز تلاش برای حفظ روابط اجتماعی و حفظ جایگاه محوری در میان اطرافیان، از جمله راهکارهایی است که آن‌ها برای هویّت‌یابی انجام می‌دهند.

«من سعی کردم خودم را بالا بکشم و رفتم دنبال ادامه‌ی تحصیل... تصمیم گرفتم زندگی‌ام را تغییر دهم و سطحم را بالاتر ببرم» (کد شماره‌ی ۲).

«در زندگی من استقلال مالی حامی من است... اگر شغل نداشتم و استقلال مالی نداشتم اجبار (برای ازدواج) برایم پررنگ‌تر بود» (کد شماره‌ی ۵ و۱۱).

حفظ اعتماد به نفس نیز یکی دیگر از استراتژی‌های دختران مجرّد است. آن‌ها می‌کوشند با کارهایی از قبیل مطالعات روان‌شناسی، تقویت اعتقادات مذهبی، غلبه بر افکار منفی و تقویت تفکّرات مثبت، با مسأله‌ی تجرّدشان برخورد کنند.

«من با استفاده از مطالعات روان‌شناسی در خودم افکار مثبت پرورش دادم و بر مسائل منفی غلبه کردم و روحیّه‌ام را ساختم» (کد شماره‌ی ۲ و ٤).

هم‌چنین دختران با توجّه کردن به ظاهر و آراستگی خود، اعتماد به نفس خویش را حفظ می‌کنند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

«الآن من به شیک‌پوشی و تنوّع خیلی اهمّیّت می‌دهم. هر ماه لباس جدید می‌خرم» (کد شماره‌ی ۱۰).

استراتژی دیگری که دختران از آن یاد می‌کنند، تلاش برای تغییر وضعیّت است. آن‌ها می‌کوشند تا آینده‌ی خود را خودشان بسازند. همچنین تلاش می‌کنند تا همسر مناسب خویش را بیابند.

«معتقدم این هم (تجرّد) حل می‌شود. امّا چگونه و کی حل شود به سعی و تلاش خود فرد هم بستگی دارد» (کد شماره‌ی ۵ و ۱۱).

اهمّیّت دادن به هنجارهای اجتماعی نیز استراتژی دیگرِ دختران مجرّد است. آن‌ها به گفته‌ی خود، خطّ قرمزهای اجتماعی را حفظ می‌نمایند؛ بر رعایت فاصله‌ی اجتماعی مناسب در ارتباط با مردان تأکید دارند؛ در زمینه‌ی مسائل جنسی، خویشتن‌داری می‌کنند و بر زندگی سالم تأکید می‌ورزند.

«در مورد مسائل جنسی هم که خیلی مهم است، ما انسانیم و مسأله‌ی جنسی وجود دارد... . من در این مورد توانسته‌ام جلوی خودم را بگیرم» (کد شماره‌ی ۱۰ و ۱۱).

استراتژی غیرفعّال

در استراتژی‌های غیرفعّال، دختران مسأله‌ی تجرّد را پذیرفته‌اند. آن‌ها تجرّد را به نوعی تقدیر و سرنوشت خود می‌دانند و این تقدیر را قبول کرده‌اند. وضعیّتِ حال حاضر برای آن‌ها مورد پذیرش است و قانع هستند. آن‌ها اظهار می‌کنند که با وجود خواستگاران فراوان، خود تجرّد را انتخاب کرده‌اند و از این وضع احساس رضایت دارند.

«مهم‌ترین دغدغه‌ی دختران ازدواج است. الآن برای من مهم است، امّا جوری جلو می‌روم که شد، شد، نشد هم نشد» (کد شماره‌ی ۲ و ٤).

«فکر می‌کنم الآن حالم خوب است، چرا حالم را خراب کنم. الآن همین جور (مجرّد) حالم خوب است» (کد شماره‌ی ۹).

برچسب زدن یکی دیگر از استراتژی‌هایی است که اغلب دختران مجرّد از آن بهره می‌برند. آن‌ها به مردان و جامعه و نیز به دخترانِ سنینِ پایین‌تر برچسب می‌زنند.

«خیلی‌ها (مردان) موقعیّت ازدواج دارند امّا به خاطر این که در شرایط خوشی و خوشگذرانی بوده‌اند، دوست ندارند از آن خارج شوند و به دنبال پذیرش مسؤولیّت زندگی نیستند و این افراد در حال زیاد شدن هستند» (کد شماره‌ی ۸).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

«دختران جوان دهه‌ی ۷۰ خود را عرضه می‌کنند برای مرد سنّ بالای پولدار و آن قدر زیادند که طرف نمی‌آید گزینه‌هایی مثل من را ببیند» (کد شماره‌ی ۱۱).

اتّکا به خانواده نیز استراتژی دیگری برای پذیرش تجرّد است. خانواده برای دختران مجرّد، منبع آرامش و اطمینان و امنیّت است.

«من پشتوانه‌ام خانواده‌ام هستند. اگر در خانواده کسی مشکل داشته باشد همه دنبال مشکل او را گرفته‌اند. همه در کنار هم هستند... همه پشت هم هستیم و این پشتوانه باعث می‌شود تو هر مشکلی را حل کنی» (کد شماره‌ی ۵).

هم‌چنین دختران مجرّد از طریق اهمّیّت ندادن به سخنان دیگران، با تجرّد خود کنار می‌آیند.

«من تنها چیزی که برایم مهم نیست حرف دیگران است. تو هر کاری کنی یک چیزی می‌گویند. بعضی‌ها با حرف مردم خودشان را بدبخت می‌کنند، امّا من برای خودم زندگی می‌کنم» (کد شماره‌ی ۱۰).

علاوه بر این، دختران مجرّد منتظر می‌مانند تا تغییری حاصل شود و موقعیّت مناسبی برای ازدواج فراهم شود تا بتوانند موقعیّت خود را تغییر دهند.

پیامدهای ناشی از تجرّد

پیامدهای ناشی از تجرّد را می‌توان در دو بخش پیامدهای مثبت و منفی ارزیابی کرد.

جدول شماره‌ی پنج- مقولات پیامدهای حاصل از تجرّد

مقولات اصلی	زیرمقولات
پیامد مثبت	
آزادی	عدم تعهّد نداشتن مسؤولیّت آزادی در برنامه‌ی روزانه آزادی در سفر
کسب استقلال	هویّت اجتماعی مستقل استقلال مالی سبک زندگی دلخواه
دست‌یابی به پیشرفت	ادامه‌ی تحصیل دست‌یابی به شغل مورد علاقه فعّال بودن در جامعه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ادامه جدول شماره‌ی پنج- مقولات پیامدهای حاصل از تجرّد

مقولات اصلی	زیرمقولات
پیامد منفی	
احساس تنهایی	
مشکلات جسمی و روانی	ریزش مو، سفیدی مو، کاهش وزن، فشار خون بالا افسردگی، استرس، فشار عصبی، خلأ عاطفی
احساس فشار	کنترل در سطح خانواده کنترل از طریق جامعه واکنش اطرافیان برچسب خوردن
هراس از آینده	هراس از تنهایی هراس از تهدید جنسی هراس از سربار بودن هراس از ناامنی

پیامدهای مثبت

به گفته‌ی دختران، یکی از پیامدهای مثبت تجرّد، آزادی است. آزادی در مفاهیمی چون عدم تعهّد، نداشتن مسؤولیّت، آزادی در زندگی روزانه و ... تعریف می‌شود.

«احساس می‌کنی این جوری برای تو بهتر است که مجرّدی. لااقل تعهّد خاصّی نداری» (کد شماره‌ی ۵).

«روی آوردن به علایق خودم مانند موسیقی، کنسرت، کتاب خواندن، فیلم دیدن، سفر، پذیرایی از دوستانم در خانه‌ی خودم. این‌ها علایق من است که می‌توانم انجامشان دهم» (کد شماره‌ی ۱۱).

کسب استقلال پیامد مهمّ دیگری است که دختران به آن اشاره می‌کنند. دختران به دلیل تحصیلات و اشتغال خود در جامعه، توانسته‌اند به استقلال مالی و هویّت اجتماعی مستقلّی دست یابند و حتّی برخی دختران عنوان کرده‌اند که به دلیل استقلال مالی، به خانواده‌ی خود کمک کرده‌اند. هم‌چنین آن‌ها به سبب کسب استقلال، توانسته‌اند سبک زندگی دلخواه خود را انتخاب کنند.

«استقلال خیلی حسّ خوبی به آدم می‌دهد. این که تو چیزهایی را که می‌خواهی برای خودت بخری، خیلی لذّت‌بخش است». «خیلی اوقات خدا را شکر می‌کنم که این کار هست که دستم را جلوی کسی دراز نکنم. حتّی توانستم خودم به بقیّه کمک کنم» (کد شماره‌ی ۱ و ۱۱).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

«من خودم را جوری پرورش می‌دهم که برای خودم خوب زندگی کنم و این برنامه‌ی من است» (کد شماره‌ی ۲).

از نظر دختران، دست‌یابی به پیشرفت با زیرمقولاتی چون ادامه‌ی تحصیل و دست‌یابی به شغل مورد علاقه، از دیگر پیامدهای تجرّد است.

«بارها فکر کرده‌ام اگر من ده سال پیش ازدواج می‌کردم، به هیچ‌کدام از چیزهایی که الآن دارم نمی‌رسیدم و این مایه‌ی افتخار من است» (کد شماره‌ی ۲ و ۵).

فعّال بودن در جامعه و این مسأله که دختران به دلیل تجرّد می‌توانند در اجتماع حضور داشته باشند، نیز از پیامدهای تجرّد عنوان شده است.

«من آدم اکتیوی هستم، هیچ وقت بیکار و ساکن نیستم... . پاتوق من هلال احمر است و کارهای هلال احمر را انجام می‌دهیم» (کد شماره‌ی ۱۰).

پیامدهای منفی تجرّد

تنهایی یکی از پیامدهای منفی حاصل از تجرّد است. دختران به سبب تجرّد و تفاوت نگاهشان، گاهی نمی‌توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند و دچار تنهایی می‌شوند. علاوه بر این، گاه به دلیل از دست دادن والدین، تنها می‌مانند.

«من زمین خوردم و بلند شدم. خودم، خودم را بلند کردم. کسی دست مرا نگرفت بلندم کند» (کد شماره‌ی ۲ و ۷).

بروز مشکلات جسمی و روانی نیز از پیامدهای تجرّد است. بر این اساس، دختران به سبب تجرّد، دچار مشکلات زیادی می‌شوند. مشکلات جسمی و روحی مانند اضطراب، استرس، خلأ عاطفی و فشار عصبی که به خاطر فشار ناشی از تجرّد به‌وجود می‌آید، از این دسته‌اند.

«... خیلی به من فشار می‌آمد و من ۱۳ کیلو وزن کم کردم». «به خاطر حسّاسیّت زیادم دچار فشار خون بالا شده‌ام از سال‌ها قبل» (کد شماره‌ی ۲ و ۹).

«نیاز عاطفی در وجود خودم برایم فشار بوده. گاهی احساس خلأ را در درونم داشته‌ام» (کد شماره‌ی ۱۱).

از پیامدهای دیگر تجرّد، احساس فشار است. هم در سطح خانواده و هم در سطح جامعه بر دختران مجرّد، فشار وارد می‌شود؛ زیرا خانواده و اجتماع سعی در کنترل دختران دارند و از آن‌ها می‌خواهند تا به تجرّد خود پایان دهند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

«خاله‌ام آن قدر گریه زاری می‌کرد برای این که من ازدواج نکرده‌ام. من ناراحت می‌شدم از این که چرا خاله‌ام آن قدر باید طرز فکرش پایین باشد که به خاطر ازدواج من گریه کند» (کد شماره‌ی ۲).

واکنش اطرافیان نیز می‌تواند بر دختران فشار وارد کند. هم‌چنین بسیاری از دختران مجرّد، از طرف دیگران برچسب می‌خورند و مورد قضاوت قرار می‌گیرند.

«نگاه همسایه‌ها سنگین است. آدم را یک جوری نگاه می‌کنند، برای آدم دعا می‌کنند که آدم اذیّت می‌شود» (کد شماره‌ی ٦ و ۱۱).

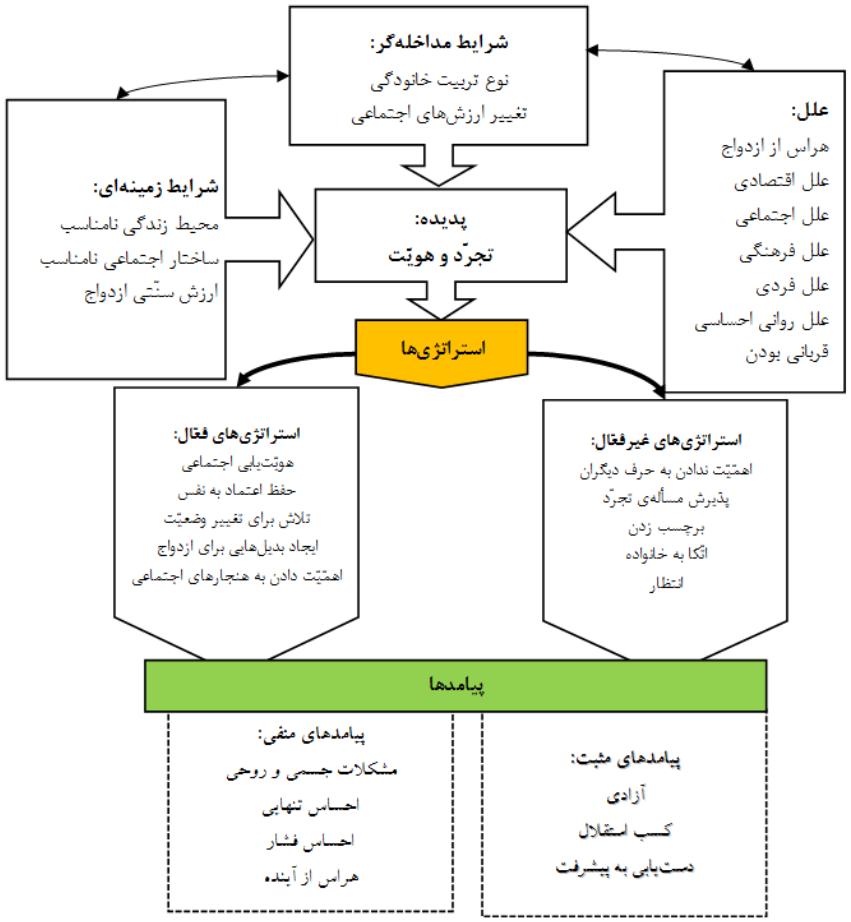
هراس از آینده نیز از پیامدهای تجرّد دختران است. دختران مجرّد از تنهایی می‌ترسند و این مسأله که با مرگ والدین، کسی در آینده در کنارشان نباشد و آن‌ها تنها بمانند یا سربار دیگر اعضای خانواده شوند، برای آن‌ها هراس‌آور است.

«من از تنهایی می‌ترسم. می‌دانم همه یک روز تنها می‌شوند. حتّی اگر شوهر داشته باشند، ممکن است شوهر بمیرد. امّا با این حال می‌ترسم و دوست ندارم تنها باشم. دوست دارم همسر داشته باشم» (کد شماره‌ی ۱۰).

ترس از نداشتن امنیّت در آینده و تهدید جنسی نیز برای دختران مجرّد وجود دارد.

«من در محیط کاری اکثر مواقع خودم را متأهّل جا می‌زده‌ام... به خاطر احساس امنیّت» (کد شماره‌ی ۱۱).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



نمودار شماره‌ی چهار- مدل زمینه‌ای از تجرّد دختران

نتیجه‌گیری

ازدواج همواره در طول تاریخ جزء مسائل مهمّ انسانی بوده است. در سالیان اخیر با تغییرات مختلف اقتصادی و اجتماعی و تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، ازدواج و تشکیل خانواده نیز در معرض تغییر و تحوّل قرار گرفته است. امروزه در اکثر کشورها، جوانان و به‌ویژه زنان، نسبت به گذشته در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند. در ایران نیز با توجّه به تغییرات و دگرگونی‌های ناشی از ورود مدرنیزم، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده‌ی سنّتی دچار تغییر شده‌اند؛ از جمله به دلیل امکان تحصیل و اشتغال بیش‌تر زنان نسبت به سال‌های گذشته و نیز کسب هویّت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مستقل، زنان به تأخیر در سنّ ازدواج تمایل دارند. در گذشته هویّت زنان بر اساس ارزش‌های سنّتی و انتساب به خانواده و ازدواج تعریف می‌شد. ازدواج به زنان هویّت می‌بخشید و از همین رو، جنبه‌ی آرمانی داشت. امّا با تغییراتِ روی‌داده در فرهنگ و اجتماع، هویّت‌یابی بر اساس معیارهای مدرنی چون تحصیلات و اشتغال صورت می‌گیرد. در واقع، در جامعه‌ی در حال گذار از سنّت به مدرن، مسأله‌ی هویّت به مسأله‌ای اساسی تبدیل می‌شود.

گیدنز معتقد است یک نسل پیش، پیوند میان زن و مرد به‌ویژه در ازدواج سنّتی بر اساس نقش‌های ثابت بوده است، امّا در طول یک نسل این موضوع دچار تغییر شده و نقش زن همانند گذشته، ثابت نیست. زنان، دیگر بر اساس آن چه فرهنگ یا سرنوشت برایشان در نظر می‌گیرد، زندگی نمی‌کنند، بلکه هویّت خود را با ایفای نقش‌های اجتماعی می‌سازند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷٤). با این حال چون جامعه‌ی ما در حال گذار از سنّت به مدرن است و هنوز ارزش‌های سنّتی به‌طور کامل با ارزش‌های مدرن جایگزین نشده‌اند، زنان دچار چالش می‌شوند. از یک طرف، زنان تمایل دارند با استفاده از امکانی که جامعه و ارزش‌های مدرن برای آنان فراهم آورده، به هویّت مستقلّ اجتماعی دست یابند و تا حدودی نیز در این زمینه موفّق بوده‌اند؛ زیرا آن‌ها در عرصه‌های شغلی و تحصیلی بسیار موفّق عمل می‌کنند و می‌توانند هویّت مستقلّی از خود به نمایش بگذارند. امّا در طرف مقابل، بقایای فرهنگ سنّتی از دختران انتظار دارد که بر اساس ارزش‌های سنّتی عمل کرده، در سنّ خاصّی ازدواج کنند و هویّت خود را در کنار مرد تعریف نمایند. در واقع این ارزش‌ها و هنجارها، دخترِ مجرّدِ تنها را به‌راحتی نمی‌پذیرد و می‌کوشد با اعمال فشار از طرق مختلف، دختران را در این قالب بگنجاند. در این حالت است که دختران در هویّت خود دچار تعارض و چالش می‌شوند.

در پژوهش حاضر کوشیده شده تا با استفاده از روش زمینه‌ای، تجربه‌ی زیسته‌ی دختران بالاتر از ۳۵ سال از تجرّدشان مورد ارزیابی قرار گیرد. در جامعه‌ی مورد نظر، دختران بر هویّت اجتماعی مستقلّ خود، تأکید فراوانی داشتند و معتقد بودند که هماهنگ با تغییرات جامعه، هویّت اجتماعی آن‌ها نیز بر مبنای ارزش‌های مدرن شکل گرفته است، با وجود این، آن‌ها هم‌چنان فشار اجتماعیِ ناشی از فرهنگ سنّتیِ مبتنی بر وابستگیِ هویّت زن به مرد را احساس می‌کردند. دختران مورد نظر در این پژوهش، با وجود اهمّیّت دادن به هویّت اجتماعی مدرن خود، هم‌چنان به ازدواج اهمّیّت می‌دهند و ازدواج را با تأخیر و در سنّ بالاتر می‌خواهند. این دختران که به دلایل مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی ازدواج نکرده و مجرّد هستند، استراتژی‌هایی برای مقابله با این وضعیّت اتّخاذ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

می‌کنند تا بتوانند زندگی آرام و هماهنگی با ارزش‌های جامعه داشته باشند. دختران مورد نظر در پژوهش حاضر، کوشیده‌اند جایگزین‌هایی برای ازدواج فراهم سازند تا بتوانند از آن طریق، هویّت خود را تعریف کنند. هم‌چنین آن‌ها گاه در حالت منفعلانه موقعیّت خود را پذیرفته‌اند و منتظر تغییر وضع موجود هستند.

پیامدهای تجرّد برای دختران حاضر در پژوهش، کسب آزادی در زندگی و دست‌یابی به استقلال و هویّت مستقل و نیز در مقابل، بروز برخی مشکلات روحی و جسمی و هراس از آینده‌ی نامطمئن است. نکته‌ی شایان توجّهی که در خلال پژوهش به‌دست آمده، تأثیر عوامل زمینه‌ای و ساختار اجتماعی و محیط زندگی بر تفکّرات این دختران است. در این پژوهش، دختران با منشأ روستایی و شهری، تفاوت زیادی در نگرش به تجرّد و تعریف هویّت خود داشته‌اند. دخترانی که در محیط روستایی زندگی می‌کرده‌اند، تحت‌تأثیر فشار فرهنگ سنّتی روستایی، دارای نگرشی بسیار منفی نسبت به تجرّد بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که پیامدهای تجرّد برای آن‌ها بسیار سنگین است و فشار زیادی را به خاطر تجرّد متحمّل می‌شوند. آن‌ها هویّت خود را به ازدواج، بسیار وابسته می‌دانند و معتقدند با ازدواج می‌توانند به جایگاه اجتماعی ثابتی دست یابند. در مجموع، می‌توان گفت دختران با توجّه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، در پی کسب و اثبات هویّت مستقلّ خود هستند تا بتوانند به‌تنهایی و بدون انتساب به خانواده و مردان، هویّت خود را شکل دهند. البتّه آن‌ها در این روند به سبب وجود ارزش‌های سنّتی و نگاه ویژه‌ی جامعه به ازدواج، دچار تعارض و چالش‌های جدّی هستند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵) **اصول روش تحقیق کیفی: نظریّه‌ی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها**، ترجمه‌ی بیوک محمّدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲. بهنام، جمشید (۱۳۸٤) **تحوّلات خانواده: پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون**، ترجمه‌ی محمّدجعفر پوینده، تهران: نشر ماهی.

۳. جزنی، نسرین (۱۳۸۰) **نگرشی بر تحلیل جنسیّتی در ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

٤. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) **هویّت اجتماعی**، ترجمه‌ی تورج یار احمدی، تهران: شیرازه.

۵. حبیب‌پور گتابی، کرم و غفّاری، غلامرضا (۱۳۹۰) «علل افزایش سنّ ازدواج دختران»، **مجلّه‌ی زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)**، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۱.

٦. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۷) **تأمّلی در هویّت زن ایرانی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷. علیرضانژاد، سهیلا؛ سوادیان، پروین و جعفری نمینی، پوراندخت (۱۳۹۱) «هویّت حرفه‌ای یا جنسیّتی: مطالعه‌ای بر دختران تحصیل‌کرده‌ی شاغل بالاتر از ۳۵ سال در شهر تهران»، **فصلنامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ٦۰.

۸. فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۳) «طرد اجتماعی دختران روستایی مجرّد»، **مجلّه‌ی توسعه‌ی روستایی**، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۱.

۹. قانع عزآبادی، فرزانه؛ کیانپور، مسعود و قاسمی، وحید (۱۳۹۲) «تجارب زیسته‌ی دختران ۳۰ سال به بالا در زمینه‌ی داغ ننگ ناشی از تجرّد (مورد مطالعه: شهرهای اصفهان و یزد)»، **فصلنامه‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران**، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۲.

۱۰. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) **عصر اطّلاعات**، جلد ۲، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.

۱۱. کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳) «تحوّل سنّ ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیّتی موثّر بر آن»، **فصلنامه‌ی پژوهش زنان**، شماره‌ی ۳.

۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) **تجدّد و تشخّص**، ترجمه‌ی ناصر موفّقیان، تهران: نی.

۱۳. محمّدپور، احمد (۱۳۹۲) **روش تحقیق کیفی (ضد روش)**، جلد ۱، تهران: جامعه‌شناسان.

۱٤. ناستی‌زائی، ناصر (۱۳۸۵) «مانع ازدواج دختران»، **مجلّه‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان**، سال سوم، شماره‌ی ٤.

۱۵. نایبی، هوشنگ و محمّدی تلور، ستّار (۱۳۹۲) «تأثیر سبک زندگی بر هویّت اجتماعی (مطالعه‌ی تجربی جوانان شهر سنندج)»، مجلّه‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی ٤.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

16. Linda Berg Cross ,et al. (2007) Single Professional Women: a Global Phenomenon challenges and opportunities, **Journal of International Women's Studies**, vol5.
17. Loughran, David S. and Zissimopoulos, Julie M. (2004) Are There Gains to Delaying Marriage? The Effect of Age at First Marriage on Career Development and Wages**, RAND Labor and Population working paper series**, November 8.
18. Lahad Kinneret (2013) Am I asking for too much?" The selective single woman as a new social problem, **Women's Studies International Forum,** 40**,** pp 23–32.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]